

تاج فخر روزگاران ، سرزمین بختیاری

**لباس محلی بختیاری ها**

یکی از اقوام کهن زیست و اصيل ایرانی که از سالیان دور تاکنون در فلات ایران و حاشیه زاگرس سکني گزیده قوم بختیاري میباشد. فرهنگ غني و اصيل این قوم از گذشته تا کنون بخاطر برخي ملاحظات سياسي و اجتماعي مورد بي مهري قرار گرفته و مهجور مانده است. قوم بختیاري که در برگيرنده جغرافيايي به وسعت چهار استان کشور (چهارمحال و بختیاري، خوزستان ، لرستان و اصفهان) مي باشد اولین بار در زمان صفويان در اسناد مملکتی از آن نام برده شده است. زبان و لباس محلي بختیاري بخاطر موقعيت جغرافيايي این قوم (زاگرس میانی) کمتر در معرض تغيير و تخریب قرار گرفته است. بنا به اظهار برخي کارشناسان لباس زنان بختیاري نزدیک ترین شباهت را به لباس زنان ایران در دوره ساسانیان دارد. اما این اصالت و قدمت لباس بختیاري به زمانی پیش از این برمي گردد. چه بسا برخي صاحب نظران معتقدند که نقوش لباس مردان بختیاري برگرفته شده و گرافیکی از طرح معماری زیگورات چغارزنبیل می باشد. اما آنچه مهم است اینکه همه این شواهد و نظرات دلیلی بر آمیختگی لباس بختیاري با تاریخ، فرهنگ و زبان این قوم است و اینکه این لباس جایگاهی ویژه در میان مردمان این قوم دارد و نه تنها تاریخ مصرف نخواهد داشت بلکه قابلیت عرضه به سایر نقاط ایران به عنوان يك لباس ملي را نیز داراست. قوم بختیاري با جغرافيايي به وسعت ۴۳۰۰۰ کیلومترمربع می تواند بازار و میدانی جهت عرضه این لباس هاي محلي باشد. که انتظار می رود به علت آمیختگی آن با فرهنگ مردم از استقبال فراواني برخوردار شود. زیرا تاکنون هیچگونه مرجع رسمي یا کارگاه تخصصي جهت تولید و عرضه این لباس وجود نداشته و آنچه نیز موجود است حاصل دسترنج و زحمت عده اي بافنده به شکل پراکنده و سنتي می باشد که نسل این هنرمندان زحمت کش نیز سالها به فراموشي سپرده شده است. که این خود معلول عوامل زيادي از جمله وجود مد هاي گوناگوني است که به طور غير منطقي در کل جامعه گسترش پیدا کرده و به مرور جایگزین لباس محلي و ملي ایران شده است. لباس بختیاري این قابلیت را داراست که همانگونه که سالیان طولاني ماندگاري و اصالت خود را حفظ کرده است با اندکی تغيير و ایجاد تنوع نیازهاي پوشاک جامعه را تأمین نماید و اصطلاحاً به روز گردد. این لباس براي تمام لحظات زندگی انسان داراي طرحهاي متنوعي است بطور

مثال لباس کار ، لباس مراسم شادی ، لباس مراسم سوگواری و... و بطور کلی برای هر صنف و هر گروه سنی لباس مختص به خود را تدارک دیده است. که این خود شامل تقسیم بندیهای مختلف و مشروحي مي باشد و هر کدام توضیحات خاص خود را از جهت رنگ و هر کدام توضیحات خاص خود را از جهت رنگ ، اندازه و طرح داراست. که اهم آن شامل لباس مردانه ، لباس زنانه ، لباس بچگانه و لباس کار مي باشد.



اقلام و انواع اساسي لباس مردانه شامل يك تن پوش (چوقا)، شلوار گشاد (تنبان دبیت)، کلاه و شال مي باشد که بدین شرح مي باشند :

1- چوقا (choqa)

چوقا بالاپوشی است سفید رنگ ، با خطوط راه راه سیاه ، بدون آستین و جلو باز که مردان بختیاری بر تن می کنند. قد آن تا بالای زانو می رسد و معمولاً در زیر آن پیراهن آستین دار می پوشند. در مورد خطوط چوقا گفته می شود که از روی مقبر کورش تقلید شده است . خطوط چوقا به طوری است که خط های سفید نماد سپنتا مینو (فرشته نیک) از پایین به بالا می آیند و خطوط سیاه نماد انگره مینو (اهریمن) از بالا به پایین می آیند و بیانگر پیروزی های نهایی خوبی ها بر بدی هاستدر وجود دارد که سابقاً در آنجا چوقایی بافته می شد که به چوقای لیوسی معروف بود و شمال شرقی دزفول دهی به نام لیوس نمونه پنبه ای آن را برزگرها و کارگرهای بختیاری بر تن می کردند. در حدود هشتاد سال پیش یک نمونه خوب و ریز بافت پشمی از چوقا را زنی از اهالی لیوس برای سالار شجاع که ایلخان چهارلنگ و از خوانین محمد صالح و پسر عموی علیمردان خان بوده است می بافد و هدیه می فرستد که از آن پس به چوقای سالاری شهرت یافت و سایر خوانین و اعیان بختیاری نیز بر تن کردند . در حال حاضر نیز چوقای کیارثی بفت (بافت طایفه کیان ارثی) به دلیل زیبایی ، کیفیت بالا و وزن بسیار سبک (وزن آن کمتر از یک و نیم کیلو گرم می باشد) مقبولیت خوبی دارد و در بین بختیاری ها معروف است ریسیدن پشمی که می خواهند از آن چوقا درست کنند بسیار مشکل است. از بین کلی پشم اعلاء ترین ، نرم ترین و لطیف ترین الیاف آن را انتخاب می کنند و به دقت با صابون می شویند . زنانی که قصد ریسیدن الیاف چوقا را دارند ، ناخن شصت دست چپشان را مدتی بلند می گذارند . سوراخ کوچکی در ناخن بلند شده ایجاد کرده و پشم را از آن عبور می دهند و به سوراخ ناخن از آن عبور کرده و با حرکت دورانی دوک تبدیل به نخ شکاف یک دوک کوچک متصل می کنند . پشم در حد نازک و یکنواختی می گردد. برای پود چوقا همیشه از این نوع خامه استفاده می کنند. و در بعضی موارد تار آن را از پنبه می گیرند چوقا نوعی ساده بفت است و برای بافت آن از دار خوابیده استفاده می کنند . تکنیک بافت آن نیز همان تکنیک گلیم بافی است منتها خیلی ریز بافت است و تار و پود نازک دارد

نحوه دوخت چوقا بختیاری

چوقا یا چوخا، بالاپوش مردان روستایی و عشایر بختیاری در غرب ایران است که همواره دارای آستین کوتاه است. این پوشش در بین مردم شهر نشین این قوم نیز در مراسم گوناگون رواج دارد و توسط زنان بختیاری از موی گوسفند بافته می شود چوقا نه پوششی سفید است و نه سیاه، بلکه پوششی است با دو رنگ سیاه و سفید. معمولاً بلندی چوقا باید به حدی

باشد که تا زیر زانو برسد. نقش چوقا همواره دارای شکلی ثابت است و در آن خطوط سیاه به صورت عمودی وارد خطوط سفید می‌شوند. درباره چرایی نگاره این بالاپوش چند نظریه وجود دارد اما هنوز پیشنهاد همه پسندی درباره خاستگاه یا مضمون این نقش از سوی صاحب نظران انجام نشده‌است. ترکیب رنگ‌های دیگر چوقا کرم - آبی، کرم - سرمه‌ای و یا کرم - قهوه‌ای است. آستین کوتاه چوقا بیشتر حالت نمایشی دارد و به عنوان جیب نیز می‌توان از آن استفاده کرد در شمال شرقی دزفول دهی به نام لیوس وجود دارد که چوقاهای بافته شده در آن بتدریج به «چوقا لیویسی یا لیواسی» مرسوم شدند و بر همین اساس به این بالاپوش چوقالیوسی هم می‌گویند. تاریخ بافت این پوشش کمتر از صد سال است. برای بافت چوقا از دار خوابیده استفاده می‌کنند و تکنیک بافت آن نیز مانند تکنیک گلیم بافی است با این تفاوت که خیلی ریز بافت تر است و تار و پود نازک دارد. طول پارچه مخصوص چوقا ۲,۵ الی ۳,۵ متر و عرض آن ۵۰ الی ۷۰ سانتیمتر است و با تار از جنس پنبه (گاه پشم) و پود پشمی بافته می‌شود. قطعات را پس از بافتن به اندازه لازم می‌برند و کنار هم می‌دوزند. پشم به کار رفته باید کیفیت بالایی داشته باشد این پوشش فقط مخصوص مردان است. مردان در تابستان در زیر چوقا پیراهن و در زمستان کت می‌پوشند. مردان لر (در لرستان و جنوب استان) و مردان بختیاری (در چهار محال و بختیاری و خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد، غرب استان اصفهان) این پوشش را بر تن می‌کنند چوقا بختیاری بافته‌ای است از جنس پشم که مخصوص مردان است طرح آن بر گرفته از معبد چغازنبیل (بزرگترین معبد عیلامیان) و شبیه کنگره های تخت جمشید می‌باشد چوقا را بصورت نواری به عرض ۵۰ سانتیمتر و بلندی حدود ۲/۵ متر می‌بافند. این نوار از دو قسمت مساوی و متفاوت تشکیل می‌شود. بافت آن ساده‌است و در طول آن نوارهایی به عرض یک سانتیمتر با بافت یک ردیف نازک نخ مشکی جدا می‌شوند. در یک قسمت همین بافت ساده که راه راه است، ادامه می‌یابد و در قسمت دیگر نقش پله‌ای که رنگ آن مشکی است بافته می‌شود. مدت زمان لازم برای بافت یک قطعه چوقا حدود ۲۰ روز است پس از بافت چوقا آن قسمت را که بافت ساده دارد برای پایین تنه و قسمتی را که دارای نقش پله‌ای مشکی است برای بالاتنه بکار برده و آن را می‌دوزند. پود چوقا از خامه پشمی است که توسط زنان ایل بوسیله پره ریسیده می‌شود و تار آن از نخ پنبه‌ای بسیار ظریف است که از بازار خریداری می‌شود چوقا در کلیه فصول سال مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگامی که هوا سرد باشد چوقا را با بستن شالی در کمر به دور آن به بدن محکم می‌بندند تا باد و سرما در آن نفوذ نکند. بافت چوقا به علت متراکم بودن و پشمی بودن آن تا حدودی مانع نفوذ باران می‌شود. هنگام گرما و یا در حال کوه پیمایی دامن چوقا را از پایین تا کرده به کمر یا شانه حائل می‌کنند تا دامن آن دست و پای فرد را نگیرد برای بافت یک چوقای متوسط حدود یک کیلو گرم نخ پنبه‌ای (پود) و یک کیلو خامه پشمی بکار می‌رود. ارزش و مرغوبیت چوقا بسته به منزلت اجتماعی افراد ایل متفاوت است. بهترین نوع چوقا نوعی است که در طایفه بهداروند در تش کیارسی بافته شدن و به چوقا «کیارسی» معروف است. بعد از آن چوقای «موری» که در طایفه موری بافته می‌شود شهرت دارد. قیمت این پوشش بستگی به خوش بافت بودن آن دارد

loresoon.blogfa.com:منبع

۲ - شلوار گشاد (تنبان دبیت)

مردان بختیاری معمولاً شلواری مشکی رنگ به پا دارند که به شلوار دبیت معروف است. پارچه این شلوار تولید شده در کارخانه دبیت انگلستان است. خصوصیت بارز و متمایز کننده این شلوار دمپای بسیار گشاد آن است به طوریکه جلوه ویژه ای به این لباس می دهد ؛ عرض دمپای این شلوار معمولاً بالای پنجاه سانتی متر می باشد. پوشیدن شلوار دبیت با کت نیز مرسوم است. معمولاً اگر شلوار دبیت را با کت بپوشند، یک دوال (کمر بند) چرمی که پهنای بالای هفت سانتی متر و چفت رزه ای (سگکی) ساده دار، را محکم به کمر شلوار می بندند و اگر شلوار دبیت را همراه چوقا به تن کنند. دوالی چرمی با پهنای کم بر روی کمر شلوار آویزان می کنند. بختیاری ها در انتخاب دوال حساسیت خاصی دارند، از دوالی چرمی معروف به چرم بلغار بسیار تعریف می کنند و این چرم را بسیار می پسندند. آنگونه که مشخص است به دلیل دست و پا گیر بودن شلوار دبیت، این شلوار نمی توانسته شلواری مناسب برای کوهستان های بختیاری باشد و به احتمال زیاد در قدیم همانگونه که امروزه مرسوم است، مردان بختیاری در هنگام کار از شلواری مناسب تر استفاده می کردند ؛ البته برخی از مردان هنگام کار و یا کوهپیمایی دو طرف شلوار را بالا می آورند و در زیر کش کمر قرار می دهند ؛ که با این کار دمپای شلوار از زیر دست و پا جمع می شود. برای دوخت شلوار دبیت دسته کم نیاز به دو و نیم متر پارچه مشکی اعلا می باشد. بهترین و مرغوب ترین پارچه دبیت به دبیت حاجی علی اکبری شهرت دارد ؛ مرغوبیت این پارچه به خاطر رنگ ثابت و نرمی آن می باشد. اما در سالهای اخیر نوع بدل این پارچه وارد بازار شده که مارک همان پارچه اصلی را دارد اما پس از

چند بار شستن ، رنگ آن به زردی می گراید .دوخت این شلوار آنچنان مشکل نمی باشد . معمولاً کمر شلوار را با سه کش می دورند تا جلوه ای بهتر داشته باشد ، اما طریقه دیگری برای دوخت کمر شلوار دبیت وجود دارد که به کمر چین معروف است . در این طرز دوخت ، خیاط با مهارت خاصی کمر شلوار را دوخت می زند به طوری که دیگر نیازی به کش کمر نیست و کمر شلوار با چفت باز و بسته می شود . شلوار دبیت یک جیب بیشتر ندارد . این جیب در سمت راست قرار می گیرد و با یک زیپ و یا چند چفت بسته می شود .

۳- کلاه مردان بختیاری



کلاه بختیاری پوششی است از جنس نمد و به رنگ مشکی که در اکثر مواقع از آن استفاده می کنند. کلاه خسروی نسبت به دیگر کلاه ها ی مشابه از ارتفاع و مرغوبیت بیشتری برخوردار است که نوع قرار گرفتن آن بر سر خود نماد و نمود واکنش های فرد پوشنده است. هنگامی که کلاه را در انتهای سرومایل به عقب قرار می دهند نشانه حرکت است. هنگامی که آنرا بر بالای پیشانی و بگونه ای که پیشانی را بپوشاند قرار دهند نشانه ناراحتی یا سوگواری است. و در مجالس کلاه عموماً به سمت چپ یا راست قرار می گیرد . بر قسمت سقف و فوقانی کلاه معمولاً سه سوراخ به عنوان هواکش و جلوگیری از تعرق تعبیه می کنند. گاه برای جلوگیری از چرک شدن و تعریق کلاه داخل آن را با پارچه ای که به آستر معروف است می پوشانند. در سالیان گذشته کلاه خوانین

غالباً سفید و کلاه دیگران مشکی بوده است. امروزه دو نوع کلاه وجود دارد همانطور که اشاره شد یکی کلاه خسروی و دیگری شب کلاه می باشد. کلاه خسروی که سیاه رنگ و به شکل استوانه است و انتهای آن اندکی بر آمده می باشد و از ارتفاع آن نسبت به کلاه های قدیمی به طور محسوس کاسته شده است (حدود ۱۲ سانتیمتر). شب کلاه «شوکه» رادمرد های جوان ، مجرد و اشخاص دیگر حین کار بر سر می گذارند. این کلاه از یک نمد ضخیم تر ساخته می شود که معمولاً رنگ آن قهوه ای روشن یا قهوه ای تیره است. شکل آن نیمکره و معمولاً شکل سر را به خود می گیرد. این کلاه ها سر را در مقابل سرما و آفتاب حفاظت می کنند و چوپانها وقتی شبها در زیر ستارگان آسمان می خوابند سر را بر روی قطعه سنگی می گذارند و با همین کلاه می خوابند (اسم شب کلاه از همین جا آمده است). کلاه را معمولاً از نمدمال که صنعتگر و در ساختن اجناس نمدی متخصص است خریداری می کنند. کارگاه های تولید کلاه نجف آباد مشهورتر است. ضخامت کلاه باید حدود ۵ میلیمتر و جنس آن مرغوب و خیلی نرم باشد. اندازه و انواع ارائه شده و مورد استفاده قرار گرفته ی کلاه خسروی در میان قوم بختیاری به سه گونه بوده است : کلاه بزرگ ، کلاه متوسط ، کلاه کوچک که دو مورد اول به کلاه خسروی معروف هستند و این سه نمونه مورد استفاده قرار دارند. سر ، افضل بدن است یا بهتر بگوییم سر افسر جسم اد می است . بدین خاطر است که در میان تمامی اقوام مختلف برای محافظت از سر اقداماتی انجام داده اند مثلاً در میان اقوام ایرانی و غیر ایرانی ساکن ایران در جنوب غربی و جنوب شرقی کشور اقوام عرب و بلوچ زندگی می کنند آنها پارچه هایی را دور سر می پیچند که سر و گردن تا حوالی شانه هارا می پوشاند ، که عرب ها به آن چفیه و بلوچ ها به آن دستار می گویند و

مورد مصرف و استفاده ی آن ها برای جلوگیری از رسیدن گرد و خاک و گرماو نور آفتاب به سر و گردن و گاهاً صورت است. و یا اقوامی که در غرب و شمال غربی و شمال و شمال شرقی (به جز ترکمنان) هم به جهت جلوگیری از برودت هوا و رسیدن سرما به سر و گردن و صورت از همین سر پوش ها یعنی دستار و مندیل ویا دستمال استفاده می کنند که نوع بستن و کارایی آن ها(دستار و مندیل و دستمال وچفیه) در تمامی اقوام ساکن ایران با هم قرابت دارند. در این میان تنها لرستانی ها و بویراحمدی ها و بختیاری ها هستند که کلاه بر سر می گذارندو ما فعلاً در خصوص کلاه بختیاری سخن می گوئیم کلاه خسروی که مردان بختیاری برسر می گذارند ربطی به سرما و گرما و نور آفتاب و گرد و خاک ندارد بلکه این کلاه، نمادی از بزرگی است که بر افضل بدن یعنی سر گذاشته می شود و در شرایط روحی و روانی متفاوت گوناگون آن رابه عقب و جلو و چپ و راست هم خم می کنند. باتوجه به توضیحات داده شده نام این کلاه را انتخاب وبه آن کلاه خسروی یعنی کلاه پادشاهی می گویند. در دوران ساسانیان به پادشاهان (خسرو) می گفتند فردوسی بزرگ می گوید

چو من زین زرین نهم بر سیاه بسر بر نهم خسروانی کلاه

و به زیبایی هر چه تمام تر فردوسی بزرگ از کلاه خسروی یاد کرده است خواندن و شنیدن این بیت مایه افتخار تمامی کسانی است که کلاه خسروی برسر می گذارندکلاه خسروی عقب و جلو ندارد و هر طور و از هر طرفی که روی سر گذاشته شود تفاوتی نمی کند. این کلاه سیاه رنگ است و از پشمی که لابلای مو های بز به وجود می آید ساخته می شود

۴ - شال بختیاری

شال پارچه ای است از جنس لطیف شبیه حریر که بعضاً در بخشی از نواحی به شکل دستار استفاده می شود. معروفترین نوع شال در بختیاری شال مسقطی است که از مسقط عمان وارد می شده است. رنگ شال سفید و عموماً سبز است که نشانه ای از علاقه مردم بختیاری به شریعت اسلام است. سوگندخوردن به شال سبز در بختیاری و همچنین تجلی آن در ابیات و ترانه ها به کرات وجود دارد به گونه ای که در بعضی از ابیات فروختن شال امری مذموم و کریه قلمداد شده است. شال معمولاً بر کمرگاه و بر روی چوقا بسته که کمر بسته با شال نشانه آمادگی فیزیکی بوده و باز کردن آن نشانه فراقت از رزم یا بزم است. گاه در ابیات بختیاری کمرگشاده نماد صلح و خلع سلاح نیز می باشد:

علیداد به لامردون کد گشاده آرمون سی قمه سوز و موچه فاده

ترجمه شعر: علیداد (یکی از پهلوانان بختیاری) در مهمانخانه با کمرب گشاده (بدون آمادگی رزمی) نشسته و در حالیکه دوری از خنجر برای او تأسف بار است.

بطور معمول شال عبارت است از يك پارچه پنبه ای به طول ۲.۸ متر و عرض ۱.۶ متر، که از به هم دوختن دو نوار به طول ۲.۸ متر در ۰.۸ متر حاصل می شود (شکل شماره ۴). برای اینکه شال را ببندند، دونفر دوگوشه روبروی آن را می گیرند و محکم می کشند و دو گوشه ای را که آزاد مانده است به طرف داخل لوله می کنند، به این ترتیب، يك نوع سجاف بلند از پارچه به دست می آید که میان آن باد کرده است که آن را به صورت حلزونی روی خود لوله می کنند. سپس استفاده کننده از این شال، بایستی این شال را چند دور به دور کمر خود بچرخاندو دو سر آن را گره بزند. بختیارپها در چینهای شال، که شکم و کمر را به بلندی حدود بیست سانتیمتر در بر گرفته است، اشیاء مختلفی را می گذارند که هر روزه با خود حمل می کنند. قبلاً شال را همیشه روی بالاپوش (قبا- چوقا) می بستند. این عمل امروزه فقط در موارد چوب بازی، کار و تمام مواردی دیده می شود که یقه ها و دامنهای لباس به صورت آزاد و مواج هستند و احتمال بروز هر نوع خطری را برای صاحب آن فراهم کند انجام می شود.

لباس زنان بختیاری



يك دوستدار ميراث فرهنگي گفت: زن در عشایر بختیاری در همه شرایط زندگی کوچ*نشینی و در هر کار طاقت*فرسایي هم*چون هیزم آوردن، گله*داري و... هم*پاي مرد است

به گزارش خوزنیوز، یونس شفيعي در گفت و گو با ایسنا بیان کرد: زن در قوم بختیاري از ارزش و احترام خاصی برخوردار است به طوري که در بیش تر نزاع هاي خانوادگي که اتفاق مي افتد زن باعث امنیت خاطر است. براي نشان دادن پاكي يك خانواده يا شخص به مادر وي يا در اصطلاح محلي "شکم زاي" او اشاره مي کرده اند

او خاطرنشان کرد: "دالو" که به پير زن طوايف در قوم بختیاري اطلاق مي*شود، به شکلي رهبري کوچ را به عهده دارد که در بیش تر نزاع ها و مشکلات سخن او حرف اول و آخر به شمار مي آید زیرا هدايت نسل جوان قوم با "دالو" است

این دوستدار ميراث فرهنگي توضيح داد: هر زن بختیاري در هر شرایط سني پوشش و زیورآلات خاص خود را دارد. لباس دخترها از رنگ هاي بسيار شاد دوخته مي شود که رابطه مستقيمي با رنگ طبيعت دارد. همان طور که نام آن ها برگرفته از گل و زیبایی هاي طبيعي است

وي ادامه داد: لباس دختران با سليقه بسيار خاص متعلق به خودشان و با توجه به شرایط زندگی در کوهستان انتخاب مي شود. لباس زنان بختیاري شامل پيراهني بلند است که تا زانو ادامه دارد و "دامن قري"، "مینا" و "لچک" نام دارند

او یادآور شد: دوخت لباس هاي محلي و انتخاب رنگ هاي متعلق به هر نسل بر عهده زن بختیاري است. در دوخت پيراهن هاي محلي شکاف هايي ۲ گوشه آن به منظور مشخص شدن بهتر چين هاي تنبون قري ايجاد مي کنند. این تنبون با لباس هاي زنان زردشتي يکي است. به این معنا که در آن زمان نیز زنان دامن هايي قري به این شکل با تنبون هايي که تا زانو کشیده مي شد، مي پوشیده اند

شفيعي گفت: زنان بختیاري براي راحتي در راه رفتن و مشخص شدن رقص چين هاي تنبون خود شلوارهايي تنگ شبیه به ساپورت مي پوشیده اند. "مینا" نیز نام روسري محلي است که زنان بختیاري بر سر مي گذارند و رنگ هاي آن نسبت به سن زنان و دختران متفاوت است

وي اظهار داشت: روسري دختران جوان الواني يا سفيد رنگ است که به همراه پولك هاي ريز از الوان، روسري و يا حاشيه هاي آن را مي پوشانند تا زيباتر شده و در هنگام حرکت صدا کند. زنان بختیاري به جاي پولك سکه*هايي از طلا و نقره بر روسري هايشان وصل کرده و لچک بر سر قرار مي دهند. لچک کلاهچه اي است که زنان بختیاري پس از بافت گيسوان خود بر سر مي گذارند

او تصريح کرد: زنان بختیاري علاوه بر لچک پيشاني خود را نیز با سکه*هايي از طلا و نقره پر مي کنند. لچک بر سر کردن میان همه زنان بختیاري مرسوم است اما دختران کم*تر بر سر مي گذارند. زنان چيز ديگري شبیه به کت کوتاه بر تن مي کنند که "دلک" نام دارد و از جنس مخمل مي باشد. "دلک" از رنگ*هاي متفاوت و آستري گل دار دوخته مي*شود که حاشيه آن را با رنگ هاي طلايي يا زرد به شکل زيگ زاگ مي دوزند

او بيان کرد: زنان بختیاري در پوشش محلي بر پيراهن خود پيراهن ديگري بر تن مي*کنند که "جوه" نام دارد. زنان در دوخت "جوه" از رنگ هاي شاد استفاده مي کنند و تنها زنان عزادار هستند که جوه تيره مي پوشند. استفاده از رنگ هاي متنوع و شاد در لباس زنان بختیاري از اهميت ويژه اي برخوردار است به طوري که رنگ سرخ تنها رنگ ثابت در لباس آن ها است که هيچ گاه عوض نمي شود. رنگ سرخ لباس زنان بختیاري برگرفته از رنگ سرخ و شاد گل هاي کوه هاي زاگرس است

این دوستدار میراث فرهنگی گفت: در لباس زنان بختیاری چادر وجود نداشته و بعدها وارد فرهنگ آن ها شده است. استفاده از چادر تنها به شرکت در مهمانی ها و یا مراسم عزاداری محدود می شود. هم چنین معمولاً زنان مسن تر دور سر نخود پارچه های سیاه و نازکی به طول نیم متر می بندند که در زبان محلی به آن "مینا" گفته می شود. بیرون بودن گوش زنان بختیاری نیز به فرهنگ این قوم بازمی گردد زیرا صدا نقش اصلی در زندگی عشایری ایفا می کرده است. به همین خاطر زنان بختیاری برای شنیدن صداهای کوهستان، گله، حرکت حیوانات وحشی و... گوشهای*شان را خارج از پوشش روسری هایشان قرار می دهند.

وی افزود: لباس زنان بختیاری نسبت به شرایط زندگی عوض می شود اما رنگ آن ها همیشه شاد است. سوزن دوزی لباس ها، رختخواب ها و... از دیگر هنرهای زنان عشایر است. هم چنین دست بافت های زنان عشایر بختیاری زبان زد همگان است.

او خاطرنشان کرد: علت گره زدن گیسوان زنان بختیاری و قرار دادن آن در دو طرف صورتشان در این فرهنگ به دلایل مختلف است که به گواه پیرزن های بختیاری اشاره به گره خوردن زندگی آن ها با همسرانشان است و رسم دیرینه ای همانند زنان زردشتی دارد. پل (گیسوان) زنان بختیاری همانند کمر زردشتیان که ۷۲ گره زده می شد، ۳۸ گره دارد که به تعداد گره های آن سن زن مشخص می*شود.

شفیعی توضیح داد: ایرانیان رسمی به نام "گیسو برون" دارند که این آیین در میان زنان بختیاری نیز اجرا می شود. به این معنا که اگر زنی يك از عزیزان مرد خود همانند پدر، شوهر و یا برادر را ازدست دهد گیسوانش را می برد. پس از آن گیسوان بریده زن را به نشانه عزاداری به "مانگه" آویزان می کنند. این آیین در دوران اساطیری و پس از مرگ سیلوش نیز اجرا شده است.

او تصریح کرد: گیسو در فرهنگ بختیاری نشانه عصمت و وقار يك زن است به طوری که هر زنی که کار زشت و ناسزایی انجام می داد گیسوانش را می بریدند که این خود بدترین نوع تنبیه برای زنان نابکار در این فرهنگ به شمار می آمد. وی گفت: زنان در فرهنگ بختیاری برای آرایش خود از وسایلی هم چون سورمه، گل های سرخ که پس از خیساندن در آب برای سرخ کردن لب ها و گونه ها استفاده می شده و هم چنین سوراخ کردن سمت چپ بینی دختران تازه عروس شده، استفاده می کرده اند.

پوشاک زنان بختیاری برخلاف پوشاک مردانه، در طول زمان، تغییرات کمی را حداقل در شکل ظاهری و ترکیب به خود پذیرفته است. همانطور که پیش تر اشاره شد اینلباس قدمتی دیرینه داشته و از اصالت، راحتی، ظرافت و رنگارنگی بی بدیلی برخوردار است. پارچه های بکار رفته در لباس زنان بختیاری با جمع شدن در کنار هم يك پوشاک رنگارنگ، متنوع و بسیار باوقار پدید آورده است. این پارچه ها که معمولاً از بازار خریداری می شود اما اغلب توسط خود زنان بریده و دوخته می شوند. نوع رنگ لباس می تواند بیانگر این موضوع باشد که زنی تازه ازدواج کرده است، یادر حال ازدواج کردن است. برخی اختلافات کوچک که در پوشاک زنانه می توان مشاهده کرد، بیشتر به سلیقه شخصی هر زن (بخصوص آنچه مربوط به رنگ ویا نقش های تزئینی پارچه

است) و نیز به موقعیت های خاص مربوط می شود (عروسی، سوگواری ویا کار مخصوصی که باید انجام شود). بطورکلی اقلام و جزئیات اساسی لباس زنان بختیاری عبارتند از لچک، می نا، پیراهن (جوو)، تنبان زنانه، زیر شلوار زنانه و... که شرح هر کدام به قرار ذیل است:

۱- لچک



زنان بختیاری به گیسوان خود لچک می بندند که از یک نوار مخمل (معمولاً سبز پررنگ یا اناری و...) و دارای اندازه ۴۰ سانتیمتر در ۱۲ سانتیمتر می باشد. لچک روی سر گوشها را می پوشانند که به آن یک پارچه از هر نوع دوخته شده است و تا پس گردن می رسد. درون نوار با این پارچه آستردوزی شده و لبه بیرونی آن با قطعات کوچک شیشه ای (منجق و الماس نما) مزین شده است. که اینها روی مخمل به شکل گلهایی دوخته شده اند. در گوشه های آزاد آن دو عدد بند دوخته شده «که شامل band sizan است که در زیر چانه به هم گره می خورد. معمولاً یک بند بلند شبیه تسبیح به نام «بند سوزن انواع مهرهای رنگی، سکه های قیمتی و... و برای تزئین و زیبایی بیشتر است را توسط دو عدد سنجاق قفلی به دو گوشه لچک وصل می کنند که بصورت آویزان است.

۲ - می نا

meyna



رنگ روسری برای سالخوردگان سفید و برای دختران و زنان جوان رنگارنگ بود. حریری است به طول ۲ تا ۵ متر و به عرض یک متر که به لچک وصل می شود. از یک پارچه سبک (وبیشتر از پارچه های نایلونی) حریر و شفاف با رنگ زنده. برای اینکه این قطعه از لباس رادر محل خود قرار دهند، آن را با وسایلی مثل سنجاق و غیره در جهت طول به پشت لچک

می بندند به نحوی که قسمت تزئینی لچک بیرون بماند. سپس گوشه تور از جلو می گذرد، شانه را می پوشاند، از زیر گلو، رد می شود که سینه را پنهان کند و دور صورت را قاب می کند، بدون این که آن را پنهان نماید و در روی لچک پشت سر ثابت می شود. قسمت بلند طول آن به طور آزاد و مواج در پشت می ماند. غالباً زنهای بختیاری دسته کلید خودشان را به انتهای گوشه «می نا» می بندند یا این که پول خودشان را در گوشه این می نا می گذارند و گره می زنند که روی سینه آویزان می شود. در موقع آشپزی، برای اینکه می نا مزاحم کارشان نباشد، آن را یا روی دوش می اندازد و یا این که به دور گردن می پیچانند. دز سوگواریها و عزاداریها زنهای بختیاری به جای لچک و می نا از پارچه سیاهی به طول ۱ متر و عرض ۰.۷۵ متر استفاده می کنند که «کولوکی یا لاقه» نام دارد. این پارچه از قطر تا می شود و روی موها قرار می گیرد. دو گوشه ای که تا شده و روی هم آمده است، در عقب سر قرار می گیرد و دو گوشه دیگر مثل روسری زیر گلو به هم گره می خورد. در اوقات عادی این قسمت از لباس می تواند برای محکمتر نگه داشتن می نا و لچک به هنگام کار مورد استفاده قرار گیرد. برای انجام این عمل همین دستمال را لوله می کنند و به دور سر قرار می دهند و دو گوشه آن را پشت سر گره می زنند و اضافه آن را به صورت آزاد در پشت گردن رها می کنند. روی لچک می نا انداخته می شود که روی شانه ها و سرتاسر پشت را می پوشاند و دو گوشه آن زیر گلو سنجاق می شود. البته قسمتی از لچک که منجوق دوزی شده از زیر می نا مشخص است.

آرایش موها در زیر لچک و بستن می نا به نحوی خاص صورت می گیرد. برای این کار ابتدا موها را از وسط فرق باز می کنند و یک فرق دیگر نیز از روی یک گوش تا گوش دیگر یعنی موهای سر عملاً چهار قسمت می شود. دو قسمت پشت سر را جدا گانه می بافند و تبدیل به دو گیسو می کنند. بعضی از زنها به ابتکار خود در آنها این گیسوها را به هم وصل می کنند.

پس از بافت گیسوهای لچک را روی سر می گذارند و دو بند آن را زیر گلو گره می زنند. دو قسمتی از موها که در جلوی سر قرار می گیرد از زیر لچک بیرون می آید به این موها ترنه می گویند، هر کدام از ترنه ها را به تنهایی می تابند و نوک آن را زیر بند لچک قرار می دهند بعد از این کار نوبت به بستن می نا می رسد.

یک گوشه می نا را درست روی لچک، بالای گوش راست قرار می دهند و سنجاق می کنند. ادامه می نا را یک دور و نیم دور گردی صورت می چرخانند یعنی از روی سر رد کرده و زیر چانه و باز رد می کنند تا به گوش چپ برسد و بالای گوش چپ سنجاق می کنند. دو مرتبه آن را در جهت عکس چرخانده و رها می کنند. قسمت الاس نمای لچک از زیر می نا بیرون می ماند. پس از بستن می نا دو قسمت از گیسوی ترنه در دو طرف صورت روی گونه های نمایان است.

معمولاً یکی از زیورآلتی که به لچک و می نا افزوده می شود سیزن بن می باشد سیزن بن زنجیری نقره ای است که به آن سکه هایی وصل کرده اند و جلوه ای زیبا دارد. دو سر سیزن بن را به بالای دو گوش روی می نا و لچک نصب می کنند و (از پشت سر می آویزند).

رنگ لباس زنان بختیاری الهام گرفته از طبیعت است. زنان و دختران جوان در لباسهای خود از رنگهای روشن استفاده می کنند و رنگ لباس خانمهای مسن، تیره است به دلیل احترام به سن و سال آنها.

jowa ۳- پیراهن زنانه (جووه)

متداولترین الگوی پوشاک زنانه که روی دوشها تکیه می کند، یعنی پیراهن بلندی است که تا روی زانوهای پائین می آید، دارای آستینهای بلند و دوخت راسته است. کالبد این پیراهن از شش نوار عمودی (سه نوار جلو و سه نوار عقب) تشکیل شده است که به آنها در دو کنار آن دو مثلث شکافدار اضافه می شود که گشادی پائین پیراهن را بوجود می آورد. در جلو آن شکافی عمودی به طول ۲۰ سانتی متر وجود دارد که از یقه شروع می شود و امکان شیر دادن به کودک را فراهم می آورد. طول آستین ها که به تنه پیراهن متصل شده اند، با یک درز دوخت بسته شده اند و در مچها تنگ تر می شوند زنهای بختیاری روی این پیراهن جلیقه ای (جلیزقه) می پوشند که به شکل جلیقه های مردانه اروپایی است. دوخته شده آن را از بازار می خرند و بیشتر جیبهایش مورد توجه است. جلیقه (جلیزقه) روی پیراهن پوشیده می شود که از جنس مخمل است. همچنین زنان بازوبندی (بازی بند) نیز بدست می کنند که

با مهره‌های رنگی و سنگ تزئین می‌شود. البته استفاده از آن خیلی عام نیست و بیشتر در عروسی پوشیده می‌شود. این پیراهن به «پیراهن چاکی» موسوم بود. روی پیراهن نیز کتی از جنس مخمل یا جلیقه به تن می‌کردند. در زیر تمون قری شلوار می‌پوشیدند که «پاکش» نامیده می‌شد. پاپوش زنان چهارمحالی «ارسی» نام داشت. نمونه دیگری از پوشاک نیز در منطقه چهارمحال رواج داشت که مخصوص بانوانی بود که در شهرها همچون شهرکرد و فرخ‌شهر ساکن بودند و گفته می‌شود که این پوشاک شبیه پوشاک زنان در دوره قاجار بوده است. این پوشش عبارت بود از پیراهن کوتاه چین‌دار، شلواری که در قسمت مچ به وسیله کش جمع می‌شد و روسری که در زیر گلو به وسیله سنجاق محکم می‌شد. در این پوشش کت و جلیقه مخمل نیز مورد استفاده بود.

۴ - شلوار زنانه (تنبون زنونه)

شلوار قری : این شلواری است با چین‌های فراوان و بدون پاچه دوخته و نیم تنه پایین بدن را پوشش می‌دهد. اصولاً در قسمت بالای این شلوار جداره ای بوجود می‌آورند و طناب باریکی و یا بندی از میان آن جداره عبور داده و شلوار قری به وسیله همین بند و یا طناب باریک به کمر محکم بسته می‌شود. شلوار قری از جنس پارچه‌های مخملی بسیار زیباست. انتخاب رنگ‌های شاد، جذابیت این شلوار را چند برابر می‌کند. در زبان محلی بختیاری (قر) به معنی پیچ و تاب است. در مورد گیوه ملکی هم سخن گفته شد. کاربرد این کفش در زنان و مردان به یک گونه بوده است.

دستمال (سده): دستمال در واقع نوعی پیشانی‌بند محسوب می‌شود که شامل پارچه‌ای چهارگوش مشکی ابریشمی است. زنان بختیاری دستمال را بر روی پیشانی بسته و از روی دو گوش عبور می‌دهند و در پشت سر دو طرف آن را به یکدیگر گره می‌زنند. در جلوی دستمال که به هنگام استفاده آن را چند تار چند لایه می‌کنند، دو گوی نقره‌ای ریشه‌دار وجود دارد که به آن‌ها «گوی سر دستمال» می‌گویند.

طراحان لباس از لباس بختیاری در شگفتند!

چوفا: زیر و رو ندارد

شلوار دبیت: پشت و پیش ندارد

گیوه ملکی: چپ و راست ندارد

کلاه خسروی: رو و آستر ندارد

سادگی و صداقت بختیاری همانند لباس هایش دوگانگی ندارد،

بختیاری وار دوستان دارم..

